



خیلواکی

استقلال

www.esteglaal.net

سه شنبه ۲۹ سپتمبر ۲۰۲۶

تهیه، ترتیب و ترجمه: داکتر فریده نوری

افغانستان در چه موقف قرار دارد؟

دومین حکومت طالبان

قسمت دوم و اخیر

نویسنده: Jean-Luc Racine

رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات (در مرکز مطالعات جنوب آسیا و همالیا)

و متخصص آسیای میانه

پنج سال بعد از دوباره به قدرت رسیدن، طالبان یک رژیم فوق العاده محافظه کار

را ایجاد و زنان را از زندگی اجتماعی محروم و اقلیت ها را به حاشیه راندند.

گرچه طالبان توانستند جنگ های داخلی را متوقف کنند، اما در مقابل با

با مشکلات زیادی، از جمله مجادله با فقر و ادغام امارت اسلامی در

منطقه که بسیار آهسته پیش می رود، روبرو هستند.

مبارزات اجتماعی - اقتصادی:

این ثبات برای جواب دادن به مشکلات اجتماعی - اقتصادی و بحران انسانی که هنوز هم کشور را تحت تأثیر خود دارد، کفایت نمی کند. پروگرام توسعه یی سازمان ملل متحد نیز در گزارشات خود در سال ۲۰۲۶ وسعت مشکلات را تأیید نموده است. در حالیکه شاخص انکشاف یا توسعه انسانی، افغانستان را در جهان در سال ۲۰۲۳ در ردیف ۱۸۱ (یکصد و هشتاد و یکم) قرار داده بود، رشد کم تولید ناخالص ملی (۳، ۲ فیصد در سال ۲۰۲۴ و ۹، ۱ فیصد در سال ۲۰۲۵) کفایت نمی کند، مخصوصاً در زمانیکه جمعیت در حال افزایش است. قسمت عمده این زیاد شدن جمعیت به افغان های مهاجر از کشور های همسایه ارتباط می گیرد که در بین سال های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ نزدیک به پنج میلیون نفر را تشکیل می دادند. سازمان ملل جمعیت افغانستان را در سال ۲۰۲۵ به ۴۳، ۸

میلیون نفر برآورد کرده است که در حدود ۴۳ فیصد آن ها کمتر از ۱۵ سال عمر دارند. علاوه بر ورود میلیون ها مهاجر، افغانستان با حوادث وخیم و مکرر جوی، مانند سیلاب ها، زلزله ها و خشک سالی مواجه است، در حالیکه در حدود هشتاد فیصد جمعیت به زراعت و مالداری وابسته می باشند.

دولت طالبان بسیار کم برای مدیریت نمودن حوادث طبیعی و تغییرات اقلیمی آمادگی دارد و این مشکلات ارتباط می گیرد به مدیریت آب ها، زیرا اکثراً برای آبیاری از آب دریاها استفاده می شود که قسمتی از این دریاها از خارج سرحداب افغانستان منشأ می گیرند.

در ماه نوامبر ۲۰۲۵ بانک جهانی در گزارش اقتصادی اش، نظر مثبت تر نسبت به گزارش دفتر توسعه وی سازمان ملل متحد، ارائه نموده است.

گزارش بانک جهانی رشد تولید ناخالص ملی را در سال ۲۰۲۵ به ۳، ۴ فیصد پیش بینی می نماید، که از یک تورم کنترل شده، ثبات پول و مالیات بر عایدات ثابت نمایندگی می کند.

در عین حال به تاثیرات دوجانبه ورود میلیون ها مهاجر اشاره می کند که از یک طرف تقاضاها افزایش یافته است و از طرف دیگر زیادی تعداد، درآمد متوسط هر نفر را چهار فیصد تقلیل می دهد. بانک جهانی یک کاهش رشد اقتصادی را برای سال های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ پیش بینی می کند، به ترتیب ۸، ۳، ۵ و ۳ فیصد. در مجموع «اقتصاد افغانستان تحت فشار های متعدد و همزمان قرار دارد».

اما نباید پیشرفت های اندک که در زمینه زیربناها صورت گرفته است، مد نظر گرفته نشود. امضاً قرار دادهای، (بیش از ۵۰۰ پروژه در سال ۲۰۲۵ قرار منابع رسمی)، جست و جوی سرمایه گذاری های خارجی و اتصال بین المللی.

گرچه قسمت عمده صادرات را محصولات زراعتی از قبیل (پنبه و میوه های تازه و خشک مانند چارمغز) تشکیل می دهد، اما نباید از ظرفیت مهم که عبارت است از منابع معدنی که از گاز و مس گرفته تا لیتیوم، فلزات کمیاب و سنگ های قیمتی (جواهرات) نادیده گرفته شود.

تشدید فقر:

ماموریت توسعه و انکشاف سازمان ملل متحد در افغانستان بالای تشدید فقر تأکید نموده میگوید که از «هرچهار افغان، سه نفر آن نمی تواند که نیاز های ابتدایی خود را» در سال ۲۰۲۵ برآورده بسازند.

این نسبت، برای اخراج شدگان از کشور های همسایه بیشتر از ۹۰ فیصد است، و سرنوشتی که برای زنان اختصاص داده شده، این حالت را وخیم ساخته و همچنین سرنوشت دختران جوان آینده را خراب تر می سازد.

ارقام داده شده رشد اقتصادی وسعت مشکلات را ترسیم می کند: کسر تجارت افغانستان در سال ۲۰۲۵ قریب ۱۱ میلیارد دالر بود، یعنی حدود ۶۰ فیصد تولید ناخالص ملی که نزدیک به ۲۰ میلیارد دالر، که کمی کمتر از سال ۲۰۲۰ می باشد.

زیرا دوباره به قدرت رسیدن طالبان باعث شد که این رقم در سال های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به ۱۵ میلیارد دالر کاهش یابد.

در این شرایط بحران انسانی، دونالد ترمپ دفتر کمک های انکشافی امریکا (USAID) را مسدود و کمک ها را کاهش داد. قرار گزارش سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۵ به میزان ۵ ، ۱۶ فیصد کاهش یافته است.

با مسدود شدن ۴۴۰ کلینیک صحتی در کشور، ۲۳ فیصد افغان ها از خدمات صحتی محروم شده اند. همچنان دفتر هماهنگی در امور بشری ملل متحد زنگ خطر را به صدا درآورده و ارزیابی نموده است که نزدیک به بیست و دو میلیون افغان به کمک نیاز دارند. برنامه غذایی جهان نیز به نوبت خود می گوید که: « بحران سوء تغذی نزدیک به پنج میلیون طفل و مادران شان را تحت تاثیر قرار داده است».

در مقابل این مشکلات ما شاهد مبارزه و ابتکارات فردی زنان افغان هستیم که از مقاومت فوق العاده برخوردار هستند و شرکت های کار و کسب مختص برای زنان و دختران جوان را ایجاد می نمایند مانند کارخانه ها برای آماده ساختن گیاه های داروئی در هرات، دستگاه های قالین بافی در بدخشان و یا یک مرکز جمع نمودن و بسته بندی نمودن شیر در بامیان.

اما این ابتکارات نمی تواند اثرات منفی تحولات و دگرگونی های ساختاری برخاسته از ایدیالوژی رژیم را بپوشاند.

فلهذا اختلافاتی که بین ایدیالوگ های سختگیر قندهار به رهبری امیر آخندزاده و بعضی از وزرای کابل که می خواستند با فکر باز با دنیای خارج معامله کنند و طرفدار مطالعه دوباره در سیاست های ضد زن، مانند عبدالغنی برادر، سراج الدین حقانی و یا محمد یعقوب بودند، زیاد دوام نکرد و به نفع امیر هبت الله آخندزاده و "وفاداران" وی بدون تصفیه و پاکسازی خاتمه یافت. به این ترتیب امیر آخندزاده در تصمیم گیری ها بسیاری از وزرا را نادیده می گیرد.

در مورد مبارزه با کشت و تولید تریاک اقدامات شان بسیار مؤثر بوده و طبق گزارشات سازمان ملل، مساحت زمین برای کشت کوکنار که قبل از به قدرت رسیدن شان ۲۳۲۰۰۰ هکتار بود به ۱۰۲۰۰ هکتار تقلیل یافته است. این تحول عمده موجب نارضایتی دهاقین مناطقی که تولید و کشت کوکنار به صورت سنتی در آنجا رواج داشت، گردید. در عین زمان تولید مواد مخدر مصنوعی افزایش یافت زیرا گیاه افدره (éfédra) بدون مشکل در افغانستان می روید.

دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد بدون تعجب اشاره به درگیری بین موفقیت سیاست ضد مواد مخدر و ثبات دهاقین می کند.

سیاست خارجی: معضلات شرکای بین المللی

ایدیالوژی، اقتصاد، امنیت، ارتباطات منطقوی، پناهندگان، مواد مخدر، توانایی.... همه مشخصات و مختصات افغانستان بُعد یا جنبه بین المللی دارند، چیزیکه تمام کشور ها از خود می پرسند: چگونه باید با حکومتی که به نظر مستحکم و پایدار می آید، برخورد کرد، بدون آنکه آنرا به رسمیت شناخت؟

نارضایتی برای خواسته هایی برآورده نشده جهت شناخت:

نخستین نگرانی طالبان در زمینه دیپلماتیک، به رسمیت شناختن شان به عنوان یک دولت است. در دوره اول حکومت طالبان (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱) پاکستان که همایشان کمک کرده بود، رژیم طالبان را به رسمیت شناخت، و بعداً رسمیت شناختن شان توسط عربستان سعودی و امارت متحده عربی تعقیب شد. این مرتبه قریب پنج سال از دوباره به قدرت رسیدن، تنها یک کشور در ماه جولای ۲۰۲۵ آن ها را به رسمیت شناخت. "رو سیه"

تعجب و طنز تاریخ در همین جاست که همین کشور روسیه در سال های ۱۹۸۰ هدف مجاهدین بود. روسیه بالاتر از اینکه توافق های تجارتي که در سال ۲۰۲۲ با کابل امضا کرد، مخصوصاً برای هماهنگی گفت و گو، در مورد امنیت با کشور های منطقه، توجه دارد. از دید مسکو خطرناکترین گروه تروریستی دولت اسلامی خراسان است که طالبان مخالف آن ها اند، زیرا طالبان خواستار یک حکومت ملی هستند نه طرفدار یک خلافت بدون سرحد.

افغانستان اکنون عضو "فورمت مسکو در باره افغانستان" است، که یک ساختار مشورتی است که در سال ۲۰۱۷ تشکیل شد و امروز چهار جمهوری آسیای مرکزی، چین، هند، پاکستان و ایران را دور هم جمع نموده است. فراتر از مسائل امنیتی، بعد از مجلس ماه اکتوبر ۲۰۲۵، اعلامیه ای که

منتشر شد، بیشتر بالای انکشاف افغانستان و ادغام افغانستان در سیستم ارتباطات منطقوی تأکید داشت.

سازمان همکاری شانگهای که عمدتاً همان کشور های قبل الذکر شامل آن می باشد، نگران خطراتی اند که از خاک افغانستان امنیت منطقه را تهدید می کند، اما در نظر دارند که دوباره گروه تماس با کابل را فعال نمایند.

علاوه بر روسیه اکثریت کشور های منطقه سفارت های شان را در کابل حفظ کرده اند، بدون به رسمیت شناختن رژیم، حتی در خاک خود یک سفیر از امارت افغانستان را پذیرفته اند مانند چین از سال ۲۰۲۳ .

تقریباً بیست کشور در افغانستان نماینده یا به رتبه سفیر یا مامور در امور دیپلماسی دارند: که عبارت اند از جمهوریت های آسیای مرکزی، آذربایجان، ایران، پاکستان، هند، ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر (که بر علاوه "میزبان ماموریت ایالات متحده برای افغانستان " است)، همچنین جاپان، اندونیزیا و اتحادیه اروپا هم یک هیئت در کابل دارند.

امارت اسلامی افغانستان نیز در کشور های همسایه سفارت دارد و در تلاش است که کنترل سفارت های را که هنوز هم پس از سال ۲۰۲۱ به دست دیپلمات هائی می باشد که توسط اشرف غنی منصوب شده بودند، بگیرد.

فلذا این سردرگمی جنسیتی فقط تزویر و ریاکاری ست، سازمان ملل متحد که توسط ماموریت کمک رسانی خود در افغانستان یا یوناما (UNAMA) نمایندگی می شود، دولت افغانستان را به رسمیت نشناخته است، اما با آنها در تماس است ولو که برای انجام ماموریت های بشری باشد. گزارش های انتقادی یوناما در باره رعایت نکردن حقوق بشرهمواره توسط کابل رد می شود، با آنها امارت اسلامی از این ماموریت استقبال می کند.

در حالیکه بعضی از رهبران طالبان هنوز هم تحت تحریم ها قرار دارند، اما دیده می شود که روابط بر حسب معامله، سازش و مصالحه ست.

در سال ۲۰۲۴ برای به رسمیت شناختن تاکید گردید به اهمیت رعایت حقوق بشر همه افغان ها و نیاز به محافظت از حقوق بنیادی دختران و زنان افغان، مخصوصاً حق تعلیم و تحصیل و کار.

اما سازمان همکاری های اسلامی را عدم رعایت نقاط قبل الذکر مانع نشد و در حدود پنجاه کشور عضو در سال ۲۰۲۶ حمایت خود را از افغانستان در زمینه برنامه های بشر دوستانه و انکشافی

تأیید کردند. همچنان سازمان هماهنگی های اسلامی (OCI) خواست تا « اقدام شود به عملیات هماهنگ جهانی» برای مقابله با مشکلاتیکه کشور به آن مواجه است.

این حالت دوگانگی با گفتار دوگانه امارت اسلامی افغانستان هم نوا است. از یک طرف دولت اعلان می کند که می خواهد با همه کشور ها روابط دیپلماتیکی برقرار نماید، از سوی دیگر امیر آخندزاده تأکید می کند که رژیم برای برقراری روابط بین المللی از اصول خود نمی گذرد: «جهان دیگر در انتظار این نباشد که ما در دین الله سازش کنیم. ما در چوکات شریعت تعامل خواهیم داشت و در همین چوکات توافق ها را انجام خواهیم داد».

در نهایت چه به دلایل امنیتی یا اقتصادی و چه انسانی، بسیاری از کشور ها با طالبان در مورد پروژه های تجارتي و ارتباطی مذاکره می نمایند.

طالبان نیز ضرورت دارند تا دیدگاههای خارجی شان را مرور نمایند تا برای دیپلمات های شان زمینه را مساعد بسازند، اما مهمتر از همه برای شان، افزایش صادرات، امید به سرمایه گذاری ها، و عملی نمودن پروژه های مواصلاتی فراملی می باشد.

هیچ جای تعجب نخواهد بود که روابط با کشور های منطقه کاملاً تعیین کننده است.

کشور های آسیای مرکزی، شرکای عملی:

اگر تاجکستان از احتیاط در مقابل امارت اسلامی کار گرفت، به دلیلی ست که طالبان از عناصر مخالف دولت دوشنبه حمایت کردند و از سوی دیگر این کشور احمد شاه مسعود را پذیرفته بود، سایر کشور های آسیای میانه ارتباطات شان را با کابل افزایش می دهند. تاجکستان نیز نمی تواند از این امر طفره رود، زیر افغانستان کلید ارتباطی بین آسیای مرکزی و آسیای جنوبی می باشد.

در نتیجه طالبان یک تعداد پروژه های زیربنایی مختلف را به ارث برده اند که به کندی پیش می رود. از جمله می توان از پروژه لوله گاز ترکمنستان - افغانستان، پاکستان و هند نام برد که هنوز فقط در شمال افغانستان رسیده است و یا پروژه CASA - ۱۰۰۰ (کاسا - ۱۰۰۰) که قرار است تولیدات برق اضافی قرغزستان و تاجکستان را به افغانستان و پاکستان انتقال دهد.

از طرف دیگر چین از پروژه دهلیز خط آهن با ایران از طریق آسیای مرکزی و شمال افغانستان حمایت می کند، اما فعلاً تنها قسمتی که بین ایران و هرات است، پیش رفته است.

در مجموع چیزیکه پیش بینی شده است که نماینده قزاق و نماینده افغانستان از آن به عنوان " تعهد یا آغاز عملی" یاد می کنند و این موضوع در مورد ازبکستان نیز صدق می کند، که در آن سکتور

های خصوصی، قرار داد های تجارتي خود را با شرکای افغان خود افزايش داده که برای سال های ۲۰۲۵ - ۲۰۲۶ به پنج ملیارد دالر برآورد شده است.

این مبلغ از حجم تبادلات بین هند و افغانستان بسیار بیشتر است. دهلی نو دوبار با کابل تماس برقرار کرده است که باعث ناراحتی اسلام آباد گردید.

دولت ملی گرای هند به رهبری ناریندرا مودی (Narendra Modi) حتی تا اندازه پیشرفت، که از سازمان ملل خواست تا تحریم ها را که بالای رژیم طالبان اعمال شده است، لغو کند، و حملات پاکستان بالای افغانستان را محکوم نمود.

درگیری با پاکستان: تغییر بزرگ

در دینامیک یا فعالیت پُر جنب و جوش منطقه ای که واقعاً بازی را در اوضاع تغییر می دهد. در حالیکه اسلام آباد رهبر طالبان ملا محمد عمر را بعد از آنکه توسط نیروی های امریکا در سال ۲۰۰۱ شکست داده شد، پذیرایی کرد، اما حکومت دوم طالبان به سمت جنگ و درگیری پیشرفت. تحریک طالبان پاکستان از سال ۲۰۲۱ چندین حمله در خاک پاکستان انجام دادند و اسلام آباد طالبان افغان را متهم می نماید که برای برادران پشتون پاکستانی شان پناهگاه ها فراهم می کنند. کشیدگی های دو جانبه باعث بسته شدن سرحدات در تورخم در شرق و چمن در جنوب افغانستان گردید. این سرحد سابق امپراتوری برتانیا ست که هیچگاهی توسط هیچ رژیمی در افغانستان به رسمیت شناخته نشده است.

بعد از مرحله اول درگیری های سرحدی که در اواخر سال ۲۰۲۱ شروع شد، در ۲۰۲۴ وضعیت وخیم گردید. پاکستان بمباردman را در ولسوالی های افغانستان که در مجاور سرحدات موقعیت دارند، و دورتر از آن افزايش داد، حتی تا کابل.

رهبران پاکستان می گویند که به کمپ های تروریستان حمله کرده اند، لکن همتا های افغان شان از بمباردman بالای غیر نظامیان سخن میگویند و آن را محکوم می نماید.

در ماه فبروری سال ۲۰۲۶ پاکستان از "جنگ علنی" صحبت می کند، که با میانجیگری چینی ها اوضاع آرام شد، اما پایدار نبود، مانند میانجیگری های قبلی توسط ترکیه و عربستان.

گاهی افغانستان با طیارات بی پیلوت به پاکستان حمله می کنند و می گویند که اعضای دولت اسلامی خراسان را مورد حمله قرار داده اند: و هر کدام یکدیگر را متهم به پناه دادن به تروریست ها می کنند.

اختناق در تجارت بین پاکستان و افغانستان که زمانی برای کابل حیاتی بود، باعث گردید تا رژیم طالبان روابط خود را با همسایگان شمالی مانند کشور های آسیای مرکزی و همچنین ایران بیشتر کند، با وجود افزایش اخراج مهاجرین توسط ایران و پاکستان.

در چنین شرایطی برای فعلاً پروژه اقتصادی دهلیز چین - پاکستان که یکی از محور های اصلی جاده ابریشم جدید - به افغانستان و به سمت آسیای مرکزی است، به خطر افتاده است.

پنج سال بعد از دوباره به قدرت رسیدن طالبان، امارت اسلامی افغانستان قدم به قدم «به سمت دوباره ادغام سازی افغانستان در جامعه بین المللی» پیش می رود، باوجود رعایت ننمودن حقوق بشر، انکار از حضور گروه های تروریستی و تهدید مواد مخدر، که هنوز از تکمیل شدن دور است، اما موقعیت ژئواستراتژیک کشور، بین آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و خاور میانه، منابع مدنی که چین مدتها به آن علاقمند بوده و ...، دلائلی است که نمی توان از آن چشم پوشی کرد.

گاهی مجبور می شویم که از ابلیس عذا بخوریم و به این می گویند، سیاست واقعی.

ختم